



دادگستری بین‌المللی، سیاست و حقوق

◆ ترجمه: غلامرضا سلطانفر (دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی)

حقوق کیفری بین‌المللی این امکان را فراهم آورده که تحت برخی شرایط، رؤسای دولت‌ها و مقامات سیاسی مسئول مورد محاکمه قرار گیرند. به‌عنوان شاهدی برای این مدعا می‌توان به بازداشت و دستگیری ژنرال آگوستو پینوشه^(۱) در انگلیس به درخواست قاضی اسپانیایی اشاره کرد. و این در حالی است که وی به‌عنوان یک سناتور شیلیایی از مصونیت قانونی نیز برخوردار بود. هر چند این امر منجر به دادرسی و محاکمه وی نگردید.

قوانین دیوان کیفری بین‌المللی^(۲) (CPI)، که قضات آن در ۱۱ مارس ۲۰۰۳ م. سوگند یاد نموده‌اند که در صورت لزوم در خصوص

کشورها و سردمداران آنها نخواهد شد؛ زیرا دادگستری بین‌المللی به‌ویژه در قلمرو امور کیفری به طرز چشمگیری در حال توسعه و گسترش است.

به‌رغم وقایع و حوادث مربوط به عراق، تبعیت و تسلیم ارادی دولت‌ها در مقابل قواعد مشترک و همگانی منجر به بروز یک تمایل و سنت تاریخی گردیده است و مطمئناً دیالکتیک حفظ حاکمیت و اقتدار ملت‌ها و ارتقای قواعد برتر جهت دفع و طرد رفتارهای مخالف قانون و حقوق، بیش از تبعیت و پیروی کلی و بدون قید و شرط حاکمیت‌ها، موجب شکوفایی عدالت و صلح و آرامش جهانی خواهد شد.

آیا روزی مسئولین جنگ فراقانونی عراق محاکمه خواهند شد؟ کدام مرجع بین‌المللی جرایم جنگی و نقض‌های حقوق بشر ارتكابی در سرزمین عراق را مورد بررسی و محاکمه قرار خواهد داد؟

پاسخ به این سؤال‌ها احتمالاً منفی است؛ زیرا آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها به انحای مختلف توسط قوانین داخلی خود حمایت شده‌اند. آنچه که موجب مصونیت این دولت‌ها از اقداماتشان می‌شود، نه جایگاه و وضعیت آنان به‌عنوان قدرتهای برتر، بلکه حمایت‌های قوانین داخلی آنها می‌باشد.

با وجود این، این بدان معنا نخواهد بود که هیچ‌گونه مجازاتی هرگز متوجه این

موضوع جنگ عراق مداخله خواهند نمود، نیز گواه دیگری بر این مدعاست.

امروز خصیصه رئیس دولت بودن یا دولتی بودن به واسطه عدول از اصل مصونیت، مانع از تعقیب آنها نمی‌شود.

برخلاف دیوان دادگستری بین‌المللی^(۳) (CPI)، که مخلوق سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۶ م. و مسئول حل و فصل اختلافات فیما بین دولت‌هاست، دیوان کیفری بین‌المللی، اشخاص مسئول را همانند دادگاههای ویژه یوگسلاوی سابق و رواندا محاکمه خواهد نمود.

دامنه قلمرو مداخله دیوان کیفری بین‌المللی، محدود به جنایت ژنوسید (نسل‌کشی)، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی و جنایات تجاوز است که بعد از لازم‌الاجرا شدن آن (اول ژوئیه ۲۰۰۲) م. و بدون محدودیت مکانی، این صلاحیت قابل اعمال خواهد بود.

سوءنیت:

با وجود این، و به‌رغم این نوآوریها و تحولات، نظم حقوقی بین‌المللی همچنان بر مبنای اصل حاکمیت دولت‌ها باقی مانده و کشورها، همانند سردمداران خود می‌کوشند تا با اعمال شیوه‌های موثر و کار آمد از این اصل حمایت کنند. به‌عنوان مثال، دیوان کیفری بین‌المللی نمی‌تواند در موضوعی مداخله نماید مگر اینکه کشور محل وقوع جرم یا کشور متبوع متهم، در قوانین خود صلاحیت دیوان را تصویب نموده باشند.

دولت انگلیس از سال ۲۰۰۲ م. صلاحیت دیوان را تصویب نموده است. بر عکس، دولت آمریکا در زمان ریاست جمهوری جورج دبلیو بوش^(۴) نه فقط از تصویب این امر امتناع ورزیده بلکه امضای به‌عمل آمده توسط ویلیام کلینتون^(۵) را نیز فسخ و ابطال نموده است. روسیه، چین، اسرائیل و ترکیه نیز فرایند تصویب صلاحیت دیوان را پشت سر گذاشته‌اند. با وجود این، عدم تصویب

حقوق کیفری بین‌المللی این امکان را فراهم آورده که تحت برخی شرایط، رؤسای دولت‌ها و مقامات سیاسی مسئول مورد محاکمه قرار گیرند. به‌عنوان شاهدهی بر این مدعا می‌توان به بازداشت و دستگیری ژنرال آگوستو پینوشه در انگلیس به درخواست قاضی اسپانیایی اشاره کرد. و این در حالی است که وی به‌عنوان یک سناتور شیلیایی از مصونیت قانونی نیز برخوردار بود. هر چند این امر منجر به دادرسی و محاکمه وی نگردید

صلاحیت دیوان، دولت‌ها را به‌گونه‌ای مطلق مصون و محفوظ نگه نمی‌دارد؛ زیرا وقوع جرم در کشوری که صلاحیت دیوان را پذیرفته جهت اعطای صلاحیت به دیوان کفایت می‌کند.

افزون بر این، تمام کشورهای عضو باید با دیوان بین‌المللی کیفری همکاری نمایند، خصوصاً هر متهمی را که در قلمرو سرزمینی آنان یافت شود به دیوان تسلیم نمایند. بنابراین، مجرمین حداقل مجبور و ملزم می‌شوند که در کشور محل دستگیری باقی بمانند.

به همین دلیل است که واشنگتن با دولت‌هایی که از ارجاع و تسلیم اتباع آمریکایی امتناع می‌ورزند، مبادرت به انعقاد معاهدات و پیمانهای متقابل می‌نماید. به‌هرحال، جای تأسف است که با توجه به ماهیت رژیم سیاسی آمریکا، این کشور همچون دولت عراق، اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی را تصویب ننموده است. ولی در

مورد انگلستان وضع به‌گونه‌ای دیگر است. آقای تونی بلر^(۶) و مسئولین سیاسی دولت انگلیس ممکن است به‌عنوان نمایندگان دولت، مورد محاکمه قرار گیرند. با وجود این، دیوان کیفری بین‌المللی زمانی که دادگاه کیفری ملی در حال رسیدگی به موضوع است نمی‌تواند وارد رسیدگی شود. بنابراین، دیوان زمانی می‌تواند مداخله نماید که دادگاه کیفری ملی فاقد اهلیت و شایستگی لازم جهت اقدام باشد و یا دارای یک سوءنیت آشکار باشد.

این شرط (قید) - به‌رغم اینکه دادستان دیوان را با مشکلات سهمگین اثباتی مواجه می‌سازد - دادگاههای انگلیس را ملزم به مداخله و رسیدگی می‌کند. دیوان دادگستری بین‌المللی (CPI) - تا آنجا که در صلاحیت وی می‌باشد - می‌تواند در خصوص توسل غیر قانونی یک دولت به نیروی نظامی و عدم رعایت قواعد حقوق جنگ، مداخله و رسیدگی نماید.

به‌عنوان مثال: دیوان خود را آماده می‌کند که در خصوص شکایت یوگسلاوها علیه مداخله بین‌المللی کوزوو در سال ۱۹۹۹ م. که بدون موافقت شورای امنیت سازمان ملل متحد صورت گرفت، وارد رسیدگی شود.

در قیاس با دیوان کیفری بین‌المللی، دیوان دادگستری بین‌المللی تنها در صورت موافقت دولت‌ها می‌تواند مداخله نماید. دولت‌ها می‌توانند صلاحیت دیوان را خواه به‌صورت دائمی - شرط اختیاری قضاوت اجباری^(۷) (VCFJO)، و خواه به‌صورت موردی برای یک دعوی خاص بپذیرند.

تعقیب اخلاگران (آشوبگران):

در سال ۱۹۴۶ م.، آمریکاییها شرط اختیاری صلاحیت اجباری (CFJO) را پذیرفتند؛ اما متعاقباً در سال ۱۹۸۶ م. که دیوان دادگستری بین‌المللی به تقاضای دولت نیکاراگوا آمریکا را به‌خاطر فعالیت‌های نظامی و شبه نظامی در این کشور محکوم نمود، از شرط مزبور عدول نمودند.



بنابراین [در حال حاضر] دولت آمریکا را نمی‌توان به خاطر عملیات در عراق به دیوان کیفری بین‌المللی کشاند. بر عکس، این دیوان می‌تواند انگلیس را محاکمه نماید مشروط بر اینکه کشوری که صلاحیت دیوان را پذیرفته موضوع را به دیوان ارجاع دهد.

در واقع، دولت انگلیس تنها عضو دائم شورای امنیت است که صلاحیت دایمی دیوان دادگستری بین‌المللی را پذیرفته است. با وجود این، اگر دولت انگلیس محکوم شود، دیوان هیچ ضمانت اجرای الزام‌آوری در اختیار ندارد که بتواند حکم صادرشده را به مرحله اجرا درآورد. همان‌طور که این دیوان نتوانست حکم صادرشده درخصوص دعوی نیکاراگوا علیه آمریکا را به مرحله اجرا گذارد.

شورای امنیت نیز می‌تواند موضوع را به دیوان ارجاع دهد، اما در این حالت نیز، حق وتو می‌تواند همه چیز را متوقف کند.

حمایت به عمل آمده توسط اصل حاکمیت دولت‌ها، مانع دستگیری و صدور حکم محکومیت [تا این تاریخ] گردیده است. نمی‌توان مدعی شد که این اصل صرفاً بازمانده یک نظم قدیمی است، بلکه یک اصل تثبیت‌کننده و متعادل‌کننده جامعه بین‌المللی که همچنان خصیصه بی‌قانون و هرج و مرج طلبی خود را حفظ کرده، می‌باشد.

به‌رغم اینکه با پایان جنگ سرد و تحت عنوان حقوق بشردوستانه، حق مداخله برای شورای امنیت ملحوظ گردیده بود، با شروع قرن بیستم و به‌منظور جلوگیری از مداخلات خودسرانه قدرت‌های بزرگ، به تدریج، اصل عدم مداخله در موضوعات داخلی دولت‌ها مطرح گردید.

از این گذشته، منشور سازمان ملل متحد شروع جنگ به‌منظور تغییر رژیم سیاسی یک دولت را غیرمشروع و غیرقانونی تلقی می‌کند. (درحالی که یکی از اهداف اعلامیه مداخله آمریکا - انگلیس در عراق، تغییر رژیم سیاسی دولت حاکم بود)

حتی مصونیت سیاسی که در ابتدا به‌منظور تسهیل روابط بین‌الدولی و حمایت و محافظت از نمایندگان دولت‌ها در مقابل تعقیب آشوبگران وضع شده بود، بعضاً مورد اعتراض مؤسسات بشردوستانه واقع شده است.

اعلام دیوان عالی کشور فرانسه در ۱۳ مارس ۲۰۰۱ م، مبنی بر اینکه دادگستری فرانسه برای محاکمه معمر قذافی^(۸) به اتهام تعرض علیه هواپیمای DC-۱۰ خطوط هواپیمایی کشور فرانسه در سال ۱۹۸۲ م، فاقد صلاحیت می‌باشد، بیانگر اصل مصونیت است.

به تدریج متون بین‌المللی بویژه قانون دیوان کیفری بین‌المللی، جرایم دارای ماهیت شدید از قبیل جرایم علیه بشریت، جرایم جنگی و جرایم علیه صلح را از بحث مصونیت حذف نموده‌اند.

دولت‌ها به‌منظور مراعات نمودن مقررات حقوق بین‌الملل، موظف و ملزم می‌باشند

**تمام کشورهای عضو
باید با دیوان بین‌المللی
کیفری همکاری نمایند،
خصوصاً هر متهمی را
که در قلمرو سرزمینی
آنان یافت شود به دیوان
تسلیم نمایند. بنابراین،
مجرمین حداقل مجبور و
ملزم می‌شوند که در
کشور محل دستگیری
باقی بمانند**

به لحاظ نظری قوانین داخلی شان را با مقررات حقوق بین‌المللی منطبق سازند.

تصویب قانون موسوم به "صلاحیت جهانی"^(۹) توسط دولت بلژیک که به دادگاههای این کشور اجازه می‌دهد مجرمین خارجی را به خاطر جرایم ارتكابی در خارج از قلمرو صلاحیت قضایی خود محاکمه نماید، در همین راستاست. اگرچه این قانون در آوریل ۲۰۰۳ م، مورد بازنگری واقع شده است. این قانون همچنین مرتکبین نسل‌کشی‌های رواننا را محکوم نموده است. این قانون به دلیل اینکه منجر به تلاطم زورآزمایی و رقابت نیروهای استعماری گردید و در نتیجه، بروکسل را همچنان به آفریقای مرکزی وصل نمود، مورد انتقاد واقع شده است. به موجب این قانون، برخی از مؤسسات در بلژیک علیه آرل شارون^(۱۰) به اتهام ارتكاب جرایم جنگی و جرایم علیه بشریت نظیر قتل عام گسترده در اردوگاههای صبرا و شتیلا در سال ۱۹۸۲ م، شکایت نموده‌اند.

به‌رغم استعمال گسترده اصطلاح "جامعه بین‌المللی"، یک جامعه بین‌المللی واقعی که بتواند واگذاری بدون قیدوشرط اصل حاکمیت دولت‌ها به نفع یک قاضی فراملی را توجیه نماید، وجود ندارد.

واقعیت این است که در جامعه ملل، زورآزمایی‌ها و عدم تساوی میان آنها، مانع از اعمال قدرت یک مقام قضایی نمی‌شود. باوجود این، از دید "اولیور کورتن"^(۱۱) استاد حقوق بین‌الملل، اختلاف و تمایز میان این دو جوامع (جامعه بین‌المللی - جامعه ملل) بسیار مهم است.

در اغلب اوقات جامعه ملل حداقل می‌تواند بر انسجام و همبستگی ایدئولوژیکی و عقیدتی و فرهنگی قوی تکیه نمایند؛ در حالی که این خصیصه و ویژگی در عرصه بین‌المللی وجود ندارد، جایی که حداکثر می‌توان از آن به‌عنوان جامعه در حال تثبیت و تحکیم یاد کرد.

حتی چنانچه بتوان در عرصه بین‌المللی همانند جامعه ملل در خصوص قواعد و ارزش‌های بنیادین به توافق نظر و اجماع دست یافت، هنگامی که بحث تفسیر عینی (واقعی) ارزش‌های مرجع مطرح گردد، بدون تردید اختلافات بزرگتری بروز خواهد کرد.

این نگرانی مورد توجه اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز قرار گرفته که از یک سو پیش‌بینی نموده قوانین و مقررات دیوان باید بیانگر نظام‌های عمده حقوقی جهان باشد و از سوی دیگر اعلام نموده دیوان دارای صلاحیت تکمیلی نسبت به صلاحیت کیفری ملی می‌باشد.

این قید اخیر، این خطر را دربردارد که در برخی اوقات نسبت به کشورهای فقیر که سیستم حقوقی- قضایی آنان به ندرت می‌تواند یک محاکمه معقول و سلامت را تضمین نماید، به گونه‌ای تبعیض آمیز اعمال و اجرا گردد. در واقع، دادگستری بین‌المللی نباید وسیله و ابزاری گردد که بیشتر در خدمت قدرت‌های بزرگ باشد. در برخی شرایط و اوضاع و احوال، دادگستری بین‌المللی با موقعیتی مواجه می‌شود که حقوق و قانون با سیاست مخالفت می‌کند؛ مثلاً اقدام به محاکمه ژنرال پینوشه برخلاف توافق و سازشی بود که با دولت شیلی جهت اخراج این دیکتاتور به عمل آمده بود.

همچنین، بازداشت و دستگیری ژنرال صرب به نام "جورج جوکی" (۱۲) توسط دیوان کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق، عدول از عهدنامه صلح دیتون (۱۳) بود.

ضروری است که مبارزه واقعی پیرامون بحث نقض‌های قانون و مصونیت باشد، دادگستری بین‌المللی نباید به گونه‌ای تعمیم داده شود که بتواند زیاده از حد روابط بین‌المللی را متزلزل یا روابط حاکم را تأیید نماید.

اما در خصوص دعوی مطرح شده علیه رئیس جمهور منتخب مردمی چه می‌توان

**دولت انگلیس تنها عضو
دایم شورای امنیت است که
صلاحیت دایمی دیوان
دادگستری بین‌المللی را
پذیرفته است. با وجود این،
اگر دولت انگلیس محکوم
شود، دیوان هیچ ضمانت
اجرای الزام‌آوری در اختیار
ندارد که بتواند حکم
صادر شده را به مرحله اجرا
درآورد. همان‌طور که این
دیوان نتوانست حکم
صادر شده در خصوص
دعوی نیکاراگوا علیه
آمریکا را به مرحله اجرا
گذارد**

شود. همچنین دادگستری جهانی باید با آن تمایل و وسوسه تاریخی که خودبه‌خود و ناخواسته اختیارات خویش را گسترش می‌دهد، مخالفت و مقابله نماید.

از این رو، دادستان "کارلادل فونته" (۱۶) به موجب ابتکار شخصی خویش و بدون اینکه منتظر تصمیم و رأی شورای امنیت بماند، صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق (TPIY) (۱۷) را به قلمرو کوزوو در سال ۱۹۹۹ م، تعمیم و توسعه داد. و در پایان، باید متذکر گردید که توسل به این دادگاهها ضروری نیست مگر اینکه برای دفع تجاوز سنگین از ضعف و ناتوانان جامعه بین‌المللی و جلوگیری و متوقف نمودن درگیری‌ها و نزاع‌ها، راهکار دیگری وجود نداشته باشد.

و بالاخره اینکه حامیان و طرفداران جنگ فراقانونی هدایت‌شده توسط واشنگتن و لندن در عراق مسافران غیرقانونی قطار نظم جهانی می‌باشند.

گفت؟

به عنوان مثال مؤسسه حقوقی انگلستان "Watch" نزد ایروپول (۱۴) و اینترپول (۱۵) علیه ژاک شیراک، رئیس‌جمهور فرانسه، به اتهام تولید و تکثیر سلاح‌های هسته‌ای شکایت نموده است. صرف نظر از صحت و سقم این اتهام باید اذعان نمود که توافق و اجماع جهانی در وضعیت نامطلوبی قرار دارد (در نظام‌های مبتنی بر دموکراسی، حاکمیت در وهله اول از آن مردم می‌باشد).

اختلاف نظر میان رهبران آمریکایی و انگلیسی این است که حقوق بین‌الملل اتهام عدول و تجاوز از چهارچوب مشخص جرایم علیه حقوق بنیادین را تعیین و تعریف کند. در تمامی حالات ضرورت دادگستری جهانی، به جای توسل مفراط برخی مؤسسات که دائماً جهت خلق اتهامات جدید بین‌المللی همانند کودک‌آزاری و تروریسم فشار می‌آورند، باید با چهره و ظاهری آرامتر ابراز

پی‌نوشت‌ها:

- 1-General Augusto Pinochet
- 2-La Cour Penale internationale
- 3-La Cour internationale de justice
- 4- George W. Busch
- 5- William Clinton
- 6- M. Anthony Blair
de Jurisdiction obligatoire
- 7- Clause Facultative
- 8- M. Mouannar Khadafi
- 9- Le cimpetence universelle
- 10- M. Ariel Sharon
- 11- M. Olivier corton
- 21- Djordje Djukic
- 31- Les accords de paix de Dayton
- 41- Europol
- 51- Interpol
- 61- Carla del ponte
- 71- Les tribunaux penale
internationale pour ex-yogoslave

